جناب آقا

**محمّد ابراهيم امير**

**هو اللّه**

و از جمله مهاجرين و مجاورين جناب آقا محمّد ابراهيم امير بود \* اين وجود مسعود از اهل نيريز بود و از صهبای ايمان و ايقان جامی لبريز \* امير شاب امرد بود که اسير دلبر مهربان گرديد و گرفتار دست عوانان شد بعد از صدمات وقوعات نيريز ستمکاران او را بدست آوردند و سه فرّاش او را مُکتّف نمودند امير بقوت بازو خود را از بند رها نمود و از کمر فرّاش خنجری غصب کرده خود را نجات داد و بعراق شتافت \* در آنجا بتحرير آيات پرداخت بعد بخدمت آستان مقدّس موفّق شد و در نهايت ثبات و استقامت شب و روز ملازم درگاه بود و در سفر عراق بقسطنطنيّه و از آنجا بادرنه و از ادرنه بسجن اعظم حاضر رکاب بود و بامة اللّه کنيز آستان حبيبه هم آشيان شد و صبيّه‌اش بديعه بمرحوم حسين آقا قهوه چی همدم و همراز گشت \*

باری، امير مذکور مدّت حيات را در نهايت ثبات بعبوديّت قيام داشت تا آنکه بعد از صعود مصباح ملأ اعلی بانحلال تن مبتلا شد عاقبت عالم خاک را بگذاشت و بجهان پاک شتافت \* نوّر اللّه مضجعه بشعاع ساطع من الملکوت الاعلی و عليه التّحيّة و الثّناء \* مزار پر انوارش در عکا است \*